

آموزش تحلیل سیاسی / عوامل ماندگاری و استمرار انقلاب به روایت رهبر انقلاب^(۱)
تاریخ ایران در بیش از یک قرن اخیر شاهد سه نهضت مردمی «انقلاب مشروطه»، «نهضت ملی شدن صنعت نفت» و «انقلاب اسلامی» بوده است. هدف انقلاب مشروطه محدود کردن استبداد پادشاهی، و هدف نهضت ملی شدن نفت، استقلال کشور در حوزه نفت از انگلستان بود. جالب اینجاست که پس از هر دوی این نهضت‌ها که با «هدف حداقلی» شکل گرفته بود، وضع جامعه‌ی ایران به مراتب بدتر از قبل شد. انقلاب مشروطه به دیکتاتوری رضاخانی منتهی و ملی شدن صنعت نفت به کودتای ۲۸ مرداد و دوران خفقان بعد از آن منجر شد.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۷۴۰ / چهارشنبه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۹۷

آزمون یکجانبه‌گرایی آمریکا

ابتکار: نخستین تلاش برای ایجاد ائتلاف جهانی علیه ایران با سخنان «جرج واکر بوش» رئیس جمهوری اسبق آمریکا آغاز شد. او ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ میلادی سخنرانی سالانه‌اش را در کنگره آمریکا به اعلام محور شرارت که عبارت بود از «ایران، کره شمالی و عراق» اختصاص داد. پیش از آن در دهه نود میلادی و در کنفرانس مادرید نیز آمریکاییان در تلاشی ناکام کوشیده بودند تا ایران را مانع صلح در خاورمیانه معرفی کرده و باور جهانی را در این باره با خود همراه کنند.

اکنون حضور پررنگ آمریکا در اجلاس دو روزه ورشو همچنان با اتهام یکجانبه‌گرایی همراه است. «مایک پنس» معاون اول رئیس جمهوری، «مایک پمپئو» وزیر امور خارجه، «جارد کوشنر» داماد ترامپ و «جیسون گرینبلات» فرستاده ویژه آمریکا در خاورمیانه به ورشو رفته‌اند تا اهمیت کنفرانس «صلح و امنیت در خاورمیانه» را از نگاه واشنگتن برجسته کنند و از سوی دیگر همه تلاش خود را برای ایجاد اجماع علیه ایران به کار گیرند.

مخالفت‌ها سبب شد تا بلافاصله مقام‌های دولت ترامپ به اصلاح مدعای خود پرداخته و نام آن را «نشست وزیران امور خارجه برای ترویج آینده‌ای برآمده از صلح و امنیت در خاورمیانه» تغییر دهند. این تغییر لحن و عنوان با هدف مجاب کردن دولت‌ها و به‌ویژه دولت‌های اروپایی برای حضور در سطح وزیران امور خارجه خود در ورشو انجام شد ولی اتهام‌ها درباره ماهیت رفتار واشنگتن زوده نشده است. دو دلیل برای این امر وجود دارد؛ نخست باور اروپا و دیگر دولت‌های دعوت شده به ورشو از شکاف‌افکنی دولت ترامپ میان اعضای شرقی و غربی اتحادیه اروپا. دوم، تلاش مشکوک واشنگتن برای ایجاد ائتلاف عربی، عبری و اروپای شرقی (لهستان، مجارستان، چک، اسلواکی) و برخی دیگر از کشورهای اروپایی علیه ایران که در این صورت نیز شکاف‌افکنی میان اعضای اتحادیه اروپا تشویق می‌شود.

اکنون نوبت مسئولان است

جوان: شاید یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های راهپیمایی امسال، تقارن آن با چهلمین سال پیروزی انقلاب کبیر اسلامی بود. رسیدن انقلاب اسلامی به ۴۰ سالگی خود واجد معنای قابل ملاحظه‌ای است. انقلابی که با دست‌های خالی امت و امام و با توکل به خدا و اراده ایمانی رقم خورد و اگر نبود این ایمان و اخلاص در مسیر، بی‌شک انبوه عوامل مادی و دشمنان تا بن دندان مسلح بارها آن را از پای درآورده بودند. گذر از این مسیر پرحادثه و سخت ۴۰ ساله کار آسانی نبود و به شکرانه امتداد این مسیر نورانی باید در پیشگاه ذات باری تعالی سر به سجده‌گاه سایید. اگر نیم‌نگاهی به فراز و فرودهای این ۴۰

سال بیفکنیم، روشن است که رسیدن و دیدن ۴۰ سالگی انقلاب خود یکی از الطاف خفیه و جلیه الهی است و نمی توان به سادگی از کنار آن عبور کرد.

آنان که مردم ایران را شناخته باشند، می دانند که این ملت، چندان متوقع نیستند و تنها توقع شان از مسئولان استمرار حرکت در مسیر انقلاب اسلامی و عمل به وظایف محوله بر دوش شان است. اکنون اصلی ترین قدردانی مسئولان از مردم در چهلمین سالگرد انقلاب، «کار و تلاش بی وقفه و جهادی برای حل مشکلات واقعی مردم» است. ورود انقلاب به دهه پنجم عمرش، فرصت مغتنمی است که مسئولان و متصدیان امر، حرف درمانی، جنجال سازی های سیاسی بیهوده، دوقطبی سازی های کاذب، سردست گرفتن مطالبات اقلیت های قدرتمند سیاسی و اقتصادی و تبلی و بی عملی را رها کرده و به جهاد شبانه روزی برای حل مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم بپردازند. سرفصل های مطالبات و گله مندی های مردم در این حوزه مشخص است و نیازی به تکرار آن ها نیز نیست. اگر همت و مدیریت جهادی به میدان عمل آید می توانیم در طلیعه دهه پنجم انقلاب اسلامی، عبور از بحران سوء مدیریت و بی تدبیری و ختنی سازی توطئه های دشمن را جشن بگیریم.

پژواک سیلی مردم به ترامپ

خراسان: شکوه و عظمت حضور مردم ایران در راهپیمایی ۲۲ بهمن موجب شد رئیس جمهور آمریکا برای اولین بار به زبان فارسی توثیت بزند و نتانیاهو و جان بولتون هم در ویدئوهایی به زعم خود برای مردم ایران خط و نشان بکشند. اما آن چه در این عکس العمل های منفعلانه مشهود بود، واکنش گسترده کاربران به اظهارات جدید ترامپ، نتانیاهو و بولتون بود. به طوری که در پی این واکنش ها چهار هشتگ «بهمن تماشایی، بعثت انقلاب، چهل سال سازندگی و چهل سال اقتدار» به هشتگ های فارسی پرمخاطب دیروز در توئیتر تبدیل شد.

ابتدا رئیس جمهور آمریکا در یک توثیت به زبان فارسی درباره ۴۰ سالگی انقلاب با ادبیات توهین آمیز درباره ایران مدعی شد: «۴۰ سال فساد. ۴۰ سال سرکوب. ۴۰ سال ترور. رژیم ایران فقط موجب ۴۰ سال شکست شده است. مردم ایران که مدت هاست در رنج اند شایسته آینده روشن تری هستند.» کاربران در واکنش به این توثیت ترامپ واکنش های جالبی داشتند که برخی از آن ها را در ادامه می خوانید.

* نه تنها ناوگروه های آمریکایی در خلیج فارس مجبورند فارسی حرف بزنند، بلکه رئیس جمهور آمریکا هم مجبور شد فارسی توثیت کند! * ۴۰ سال پیش مقامات ما مجبور بودن به زبون اونا حرف بزندن، چه می کنه این انقلاب که می خواستن زبان غرب رو به عنوان زبان اصلی ایران نهادینه کنن. * تا دیروز می گفتی اگه ایران اراده می کرد می تونست خاورمیانه رو در ۱۲ دقیقه بگیره بعد الان میگي ۴۰ سال شکست؟ * باز گوشیت افتاده دست بچه؟

اروپا، پای دوم تحریم ها

صبح نو: برجام یک توافق بین المللی بود، آمریکا زیر آن زد و اروپا به ایران وعده داد که در برجام بماند و جبران کند، اما ظاهراً صورت مسأله به طور کلی دگرگون شده و آن ها صندوقی (که در واقع شرکتی است با سه هزار یورو سرمایه اولیه) را راه انداخته اند تا دلارهای نفتی ایران، ماحصل از فروش به چین و ماچین، در آنجا قرار بگیرد و در برابر غذا و دارو در نظر گرفته شود. تازه با سازوکاری مبهم و ناشناخته و حالا ملزم به امضای توافق نامه هایی دیگر مانند پالمو. بی تردید، اروپای کنونی ناتوان تر و ضعیف تر از آن است که بتواند در برابر زیاده خواهی های آمریکا بایستد؛ علاوه بر این

چندان اعتقادی هم به این کار ندارد که اگر داشت چنین رویه‌ای را در پیش نمی‌گرفت. واقعیت آن است که حجم تبادلات تجاری ما با کل اروپا حتی به یک میلیارد دلار هم نمی‌رسد، آن‌ها جزو خریداران نفت ما هم نیستند و در ماه‌های اخیر به واسطه شعبده‌بازی‌های منافقین، اقدامات خصمانه‌ای نیز علیه شهروندان ایرانی در پیش گرفته‌اند. این اروپا، پای دوم تحریم‌ها و پای کار آمریکاست. نقض یا عبور از برجام می‌توانست اروپا را کمی به عقب براند و حالا اصرار دولت بر تصویب پالرمو و دیگر اقرار FATF، براساس فشار آن‌ها، عقب‌نشینی دیگری است که موقعیت راهبردی ایران را تضعیف می‌کند و به جای کاهش تحریم‌ها به ازدیاد آن‌ها منجر خواهد شد.

گرچه نمرود هیزم آورده‌ست!

کیهان: مردم اما، با هوشیاری و بصیرت مثال‌زدنی خود می‌دانستند که مشکلات اقتصادی پیش‌روی ربطی به انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن ندارد، بلکه حاصل مشترک دو عامل به هم پیوسته و درهم تنیده است. اول؛ تحریم‌های ظالمانه و باج‌خواهانه‌ای که آمریکا و متحدانش به ملت و نظام تحمیل کرده‌اند و دوم؛ بی‌توجهی برخی از مسئولان به نسخه‌ای که انقلاب برای اقتصاد کشور پیچیده بود و رویکرد آنان به نسخه‌های غربی که متاسفانه با اعتماد بیجا به آمریکا و اروپا همراه بوده و هست. ریشه هر دو عامل یادشده در نادیده گرفتن مبانی و اصول انقلاب بود، با این تفاوت که تحریم‌ها از سوی دشمنان بیرونی با هدف تعریف شده مقابله با اساس انقلاب اسلامی به صحنه آمده بود ولی عملکرد غیرانقلابی برخی از مسئولان ناشی از سوءتدبیر آنان بود و البته نمی‌توان و نباید حضور احتمالی شماری از نفوذی‌ها و بداندیشان را در پست‌های مشاورت و یا برخی از مدیریت‌ها نادیده گرفت! هر دو عامل مورد اشاره که نقش اصلی را در تحمیل مشکلات اقتصادی داشته و دارند، صرفنظر از انگیزه‌های متفاوت آنها، در عدول و عبور از «نقشه راه» انقلاب اسلامی پدید آمده و مشکل‌ساز شده‌اند.

در این میان، مواضع و اظهارنظرهای مقامات رسمی و رسانه‌های آمریکایی و اروپایی خنده‌دار بود. آنها در حالی برای مردم ایران اشک تمساح می‌ریختند و در پوشش دلسوزی، از همراهی خود با ملت سخن می‌گفتند که انگار مردم کینه‌توزی‌های آشکار و بی‌پرده آنان علیه تمامیت ایران اسلامی، چه نظام و انقلاب و اسلام و چه مردم این مرز و بوم بی‌خبرند. ترامپ، رئیس‌جمهور و پمپئو، وزیر خارجه آمریکا به زبان فارسی توثیت می‌کردند که خواستار سعادت مردم ایران هستند! و تاکید آنها بر عدم حضور ملت در راهپیمایی ۲۲ بهمن از سر خیرخواهی برای خود مردم است! و... انگار نه انگار که طی چهل سال گذشته هیچ فرصتی را برای توطئه و دشمنی با همین ملت از دست نداده‌اند! به چند نمونه زیر که فقط مشتکی از خروارها و اندکی از بسیارهاست توجه کنید؛

بعد از صدور قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران که در ۲۲ خرداد ماه ۱۳۸۹ (۲۱ ژوئن ۲۰۱۰) یعنی دقیقاً در سالروز فتنه آمریکایی-اسرائیلی ۸۸ صادر شده بود، خبرنگار واشنگتن پست از خانم هیلاری کلینتون، وزیر خارجه وقت آمریکا پرسید؛ مگر شما اعلام نمی‌کردید که با حاکمیت در ایران مخالف هستید و یک سوی این مخالفت در حمایت از مردم این کشور است؟ ولی قطعنامه اخیر-۱۹۲۹- حاوی تحریم‌هایی است که مردم ایران را نشانه رفته است، هیلاری کلینتون در حالی که -به نوشته خبرنگار واشنگتن پست- نمی‌توانست خشم خود را زیر لبخندی که بر لب داشت پنهان کند! در پاسخ گفت؛ ولی همین مردم ایران هستند که از حاکمیت دینی در این کشور حمایت می‌کنند. تحریم‌های این قطعنامه باید مردم را علیه نظام حاکم بر ایران بشورانند. این فشار ضروری است!

خانم کاندالیزا رایس، وزیر خارجه دولت بوش نیز در پاسخ به این سؤال که چرا آمریکا برای مقابله با ایران به مردم منطقه فشار می‌آورد و باعث جنگ و خونریزی در این منطقه شده است؟ گفته بود؛ این فشارها از نوع درد زایمان است و قرار است خاورمیانه جدید با هژمونی آمریکا و متحدانش متولد شود!

وندی شرمین، مذاکره‌کننده ارشد آمریکا - بخوانید هند جگرخوار - که در لباس «مادر ترزا» ظاهر شده و «لبخند ژکوند» بر لب دارد، با وقاحت گفته بود؛ دی. ان. ای (DNA) ایرانی‌ها حاوی ژن «فریبکاری» است! و ترامپ مدعی شده بود که مردم ایران تروریست هستند! پیش از این نیز در گرماگرم جنگ تحمیلی، «واین‌برگر» وزیر جنگ آمریکا با بی‌شرمی که ویژگی جدایی‌ناپذیر مقامات آمریکایی است گفته بود؛ نه فقط حاکمیت، بلکه مردم ایران به عنوان یک ملت باید نابود شوند!

مردم اما، بار دیگر بصیرت علوی را به خاطر آورده بودند، آنجا که امیرالمومنین علیه‌السلام در جریان جنگ جمل، درباره طلحه و زبیر (دو تن از عوامل اصلی فتنه جمل) فرموده بودند؛ «آنها حقی را مطالبه می‌کنند که خود ضایع کردند و خونی را می‌طلبند که خود ریختند» چنین بود که ملت با حضور ده‌ها میلیونی خود در راهپیمایی ۲۲ بهمن سیلی آبداری بیخ گوش ترامپ و نتانیاهو و ترزا می و مرکل و ماکرون و سایر اراذل و اوباش غربی و عبری زدند و آرزوهای آنان را زیر گام‌های خود لگدمال کردند.

نوید اصلاحات ساختاری

دنیای اقتصاد: روز ۱۷ بهمن ماه جاری خبری مهم، کوتاه و تا اندازه‌ای نارسا به نقل از رئیس مجلس شورای اسلامی درباره تصمیمی کلیدی برای اصلاحات ساختاری در کشور انتشار یافت. بی‌تردید، «اصلاح ساختار بودجه کشور» می‌تواند سرحلقه زنجیره «اصلاحات ساختاری اقتصاد» تلقی شود و برای اکثریت جامعه امید بخش باشد؛ گرچه بی‌تردید با مخالفت و کارشکنی‌هایی روبه‌رو خواهد شد. اصلاح ساختاری بودجه یا تنظیم قاعده مالی که به افزایش درآمدهای متکی بر خلق ثروت، کاهش قابل‌ملاحظه کسری بودجه، مهار تورم در حدود نرخ رشد اقتصادی، کاهش کامروایی با منابع بین‌نسلی و کم کردن شکاف طبقاتی بینجامد، نقطه عطف درخشانی در رویکرد اقتصاد سیاسی هزینه‌ساز و بی‌ثبات‌کننده به‌شمار می‌آید و رهگشای دیگر اصلاحات اقتصادی خواهد شد؛ اصلاحات اقتصادی که کیک اقتصاد کشور را بزرگ‌تر کند، سهم طبقات مختلف اجتماعی را از آن هموارتر کند نه آن رشدی که داراها را دارا تر و زندگی نادرها را فلاکت‌بارتر کند؛ آن‌گونه که قبل از انقلاب روی داد و بعد از انقلاب نیز بعضی سیاستمداران کم‌اطلاع این بده‌بستان را لازمه رشد اقتصادی می‌دانستند.

